



ورود امام حسین(ع) به کربلا

امام حسین(ع) در دوم محرم سال ۶۱ هجری به اتفاق یاران خویش به سرزمین کربلا وارد شد که سرآغاز حماسه های عظیم عاشورا بود و مصائب اهل بیت از همین روز شروع شد و کار را بر آنها سخت تر کرد.

امام حسین(ع) در دوم محرم سال ۶۱ هجری به اتفاق یاران خویش به سرزمین کربلا وارد شد که سرآغاز حماسه های عظیم عاشورا بود و مصائب اهل بیت از همین روز شروع شد و کار را بر آنها سخت تر کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، امام حسین (ع) در دوم محرم سال ۶۱ هجری به اتفاق یاران خویش به سرزمین کربلا وارد شد که سرآغاز حماسه های عظیم عاشورا است. مصائب اهل بیت علیهم السلام از روز دوم محرم که وارد کربلا شدند شروع شد و روز به روز کار را بر آنها سخت تر کرد.

سخنان امام حسین (علیه السلام) هنگام ورود به کربلا

آن حضرت هنگام ورود به سرزمین کربلا ابتدا به یارانش رو کرد و فرمود: «الْأَسُفُ عَبْدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لِعَقٍّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، يَحُوطُونَ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ، فَإِذَا مُحْضُوا يَالْبَاءَ قُلَّ الدِّيَّانُونَ؛ مردم، بندگان دنیا هستند و دین همانند چیزی است که بر زبانشان باشد، تا آنگاه که زندگی شان (به وسیله آن) پر رونق است آن را نگه می دارند، ولی هنگامی که با مشکلات آزموده شوند عدد دین داران اندک می شود».

آنگاه پرسید: آیا اینجا کربلا است! پاسخ دادند: آری، ای پسر پیغمبر! آن حضرت فرمود: «هَذَا مَوْضِعُ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ، هَهُنَا مَنَاخُ رَكَايِنَا، وَ مَحَطُّ رَحَالِنَا، وَ مَقْتَلُ رَحَالِنَا، وَ مَسْقَتُ دِمَائِنَا؛ این دیار، جایگاه اندوه و بلا (و سرزمین گرفتاری و آزمون) است، اینجا محل خوابیدن شتران ما، و بارانداز کاروان ما، و محلّ شهادت مردان ما و جاری شدن خون ماست».

عبدالله بن زیاد و اطلاع از ورود امام (علیه السلام) به کربلا

پس از اینکه اصحاب امام علیه السلام پیاده شدند «حر» نیز با هزار سوار جنگی در ناحیه دیگری در مقابل امام علیه السلام اردو زد و نامه ای به عیدالله بن زیاد نوشت و در آن نامه او را از ورود امام حسین علیه السلام به کربلا باخبر ساخت.

نامه عیدالله به امام حسین (علیه السلام) در روز دوم محرم

این زیاد نیز نامه ای به این مضمون برای امام حسین علیه السلام نوشت: «اما بعد! ای حسین! خبر ورودت به کربلا به من رسید، امیرالمؤمنین یزید! به من نوشته است که سر بر بالین نهم و غذای سیری نخورم تا تو را به قتل برسانم و به خداوند لطیف و خبیر ملحق کنم و یا به فرمان من و یزید بن معاویه گردن نهی».

پاسخ کوبنده امام حسین (علیه السلام) به ابن زیاد

چون این نامه به امام حسین علیه السلام رسید و آن را خواند، نامه را به دور افکند و فرمود: «لَا أَقْلَحُ قَوْمٌ آتَرُوا مَرْضَاةَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى مَرْضَاةِ الْخَالِقِ؛ گروهی که خشنودی خود را بر خشنودی خداوند برنگزیدند، هرگز رستگار نخواهند شد».

فرستاده «عیدالله» پرسید: «ای اباعبدالله! جواب نامه چه شد؟» امام علیه السلام فرمود: «مَا لِي عِنْدِي جَوَابٌ؛ لِأَنَّهُ قَدْ حَقَّتْ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ؛ این نامه نزد من جوابی ندارد، زیرا عیدالله مستحقّ عذاب الهی شده است!».

چون قاصد نزد عیدالله بازگشت و جریان را گفت، ابن زیاد به شدّت برآشفته (ولی پاسخی نداشت).

سازش ناپذیری امام حسین (علیه السلام) در برابر ظالمان

امام علیه السلام با این سخن کوتاه و پر معنی نشان داد که با کسانی که خشنودی بندگان طاعی و یاغی را بر خشنودی خدا مقدم می شمردند، هیچ سر سازش ندارد و نامه امثال ابن زیاد را که جزو این گروهند، لایق و شایسته پاسخ نمی داند، آن را می

خواند و به دور می افکند، هر چند جان شریفش در خطر باشد.

نامه امام حسین علیه السلام به اهل کوفه

در این روز امام علیه السلام قلم و کاغذی طلب کرد و نامه ای برای بزرگان کوفه که می دانست بر رأی خود استوار مانده اند، و در واقع خطاب به عموم مردم کوفه، به این مضمون نوشت: «يَسْمُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، مِنَ الْخُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى سُلَيْمَانَ بْنِ صُرَّيْ، وَ الْمُسَيَّبِ بْنِ نَجْبَةَ، وَ رُفَاعَةَ بْنِ شَدَّادٍ، وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَالِيٍّ [۱۴]، فَمَنْ تَكْتَفٍ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَ سَيُعْزِي اللَّهُ عَنْكُمْ، وَ السَّلَامُ؛» به نام خداوند بخشنده مهربان؛ از حسین بن علی علیه السلام به سلیمان بن صرد، مسیب بن نجبه، رفاعه بن شداد، عبدالله بن وال و همه مؤمنین، اما بعد: شما می دانید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان حیات خود فرمود: «هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خداوند را حلال شمرده و پیمان خدا را شکسته و با سنت پیامبر اکرم مخالفت ورزیده و در میان بندگان خدا به ظلم و ستم رفتار نموده، ولی با او به مبارزه عملی و گفتاری برنخیزد، سزاوار است که خدای متعال او را در جایگاه آن سلطان ستمگر (جهنم) وارد کند»؛ هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است». و خداوند به زودی مرا از شما بی نیاز خواهد کرد. والسلام».

امام علیه السلام نامه را مهر کرد و پیچید و به «قیس بن مسهر صیداوی» داد تا به مردم کوفه برساند و چون امام از خبر کشته شدن قیس مطلع شد، اشکش جاری گشت و عرضه داشت: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا وَ لِشِيعَتِنَا عِثْدَكَ مَنَزْلًا كَرِيمًا، وَ اجْمَعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ خداوندا! برای ما و شیعیان ما در نزد خود جایگاه والایی قرار ده و ما را با آنان در جوار رحمت خود گردآور که تو بر انجام هر کاری توانایی».

اتمام حجت سیدالشهدا (علیه السلام) با کوفیان

امام علیه السلام در این نامه که برای عموم مردم کوفه مخصوصاً بزرگان آنها نوشته است بار دیگر اتمام حجت می کند. از یک سو وظیفه سنگین آنها را در قیام بر ضد جنود شیطان و سردمداران فساد و کفر و طغیان، روشن می سازد، و از سویی دیگر عهد و پیمان و بیعت مؤگد آنان را در حمایت از آرمان های خود یادآور می شود.

جالب اینکه هرگز قیام و مبارزه خود را مشروط به قیام آنها نمی کند و عزم و جزم خود را برای مبارزه تا آخرین نفس با توکل بر خداوند آشکار می سازد.

منابع:

عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها

کلیات مفاتیح نوین

احکام عزاداری

عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها